

بخشیدن به تولیدات اقتصادی مبتنی بر پتانسیل‌ها و مزیت‌های هر یک از کشورهای منطقه و عبور تدریجی از دولت رانتیر و واگذاری امور به بخش خصوصی از دیگر الزاماتی است که در مسیر همگرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس، پرداختن به آن ضروری است. بدون برخورداری از اقتصاد متکی به بخش خصوصی، شفافیت، تسهیل فرایند راه‌اندازی کسب‌وکارها، جذب تکنولوژی و سرمایه‌ی خارجی، ریشه‌کنی فساد و رانت دولتی، حرکت در مسیر اقتصاد دانش‌بنیان، سیستم بانکی و مالی الکترونیکی و متصل به خدمات مالی جهانی، هماهنگی سیاست‌های صنعتی به‌ویژه در تولیدات مبتنی بر نفت، اقتصاد کشورهای منطقه با موانع جدی در مسیر توسعه و همگرایی منطقه‌ای مواجه خواهد شد. با رعایت این الزامات رفتاری و ساختاری، به‌تدریج تولیدات اقتصادی کشورهای منطقه متنوع خواهد شد؛ و مسیر راه‌اندازی و تأسیس اتحادیه‌های گمرکی، بازار مشترک اقتصادی، مناطق آزاد تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک بیش‌ازپیش هموارتر خواهد شد. «درواقع اصلاحات داخلی شرط لازم و ضروری برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و ایجاد اشتغال در هر کشور و به‌دست‌آوردن رشد مکمل متأثر از همگرایی اقتصادی فزاینده هم در منطقه و در سطح بین‌المللی است.» (Fardoust, 2016, p. 35)

۴-۸. اصلاحات سیاسی و اجتماعی داخلی

یکی دیگر از الزاماتی رفتاری در راستای همگرایی اقتصادی کشورهای منطقه، عزم جدی رهبران برای انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی در کشورشان است. مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی در این کشورها وجود دارد که شاید در ظاهر ارتباط چندانی با پیشبرد صلح، امنیت و توسعه در خلیج فارس ندارد، اما در واقع این مؤلفه‌ها به‌طور جدی در تحولات منطقه و آینده پیش‌روی آن تأثیرگذار است؛ مسائلی مانند حقوق بشر و انواع آزادی‌ها، مسائل مربوط به زنان، آموزش، مشارکت مردم در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، فقر گسترده و شکاف طبقاتی (در برخی از این کشورها)، بی‌عدالتی، تبعیض‌های گوناگون، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و مسائل مهاجران از متغیرهایی هستند که رهبران دولت‌های منطقه در